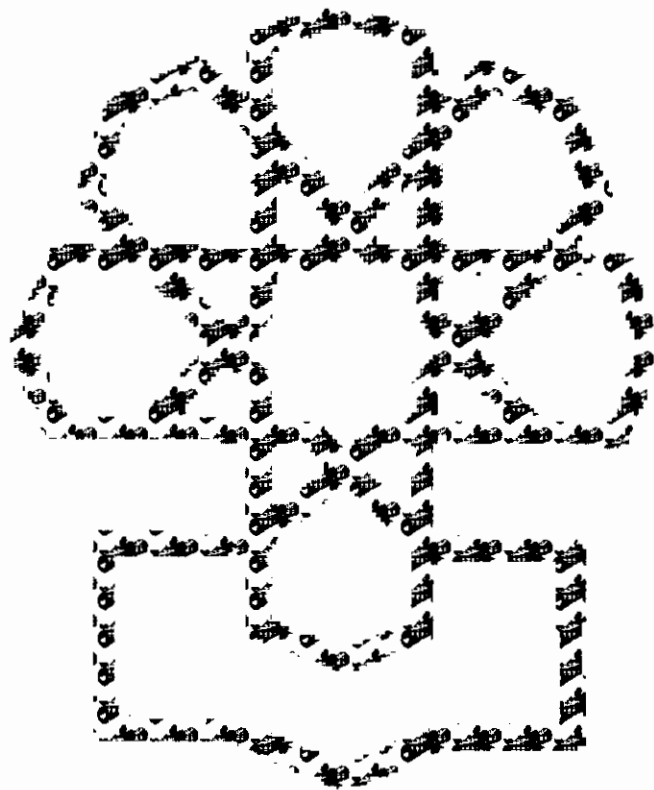




گفتاری پیرامون  
دانشگاه طراز انقلاب



معاونت پژوهشی  
آذر ۱۳۷۸

کار: گروه خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۵۰۵۰

یکی از وظایف مهم دانشجویان و دانشگاهیان، شناسایی حرکت یا بیداری دانشجویی به عنوان یک پدیده ذاتاً دانشجویی است. جنبش دانشجویی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب خدمات فراوانی به انقلاب اسلامی داشته است.

یکی از نقاط عطف حرکت دانشجویی حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۳ و حرکت آرمان خواهانه دانشجویان در مقابله با امریکا است. در این واقعه دانشجویان هوشیارانه تشخیص دادند که سفر نیکسون معاون وقت رئیس جمهور امریکا به ایران در جهت گسترش تسلط بر ایران و توسعه اهداف استعماری این کشور است. لذا فریاد اعتراض دانشجویان که با سرکوب عوامل شاه به خون آغشته شد پیام مقابله با امریکا را در دانشگاه‌ها طنین انداز کرد.

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی دانشجویان نیز رسالت تاریخی خود را احساس کرده و علی‌رغم برنامه مفصلی که نظام شاهنشاهی برای ضدیت دانشگاه و حوزه و روحانی تدوین نموده بود، هوشیارانه به نهضت این مرجع بزرگ جهان تشیع پیوسته و نقش ارزنده‌ای در پیروزی و حفظ انقلاب ایفا نمودند.

طرد عناصر معاند و منافق از دانشگاه‌ها، تسخیر لانه جاسوسی امریکا و ضربه زدن به حیثیت شیطان بزرگ، مشارکت در انقلاب فرهنگی و در نهایت حضور فعال در جبهه‌های نبرد حق و باطل از جمله آزمون‌های موفق در دانشگاه‌ها پس از پیروزی انقلاب بوده است. همین نقش مؤثر دشمنان و مخالفان را به فکر انداخت که در این پایگاه جوشش و خروش نفوذ کرده و با انحراف اذهان و افکار دانشجویان، حرکت را به ضد خود تبدیل نمایند. در این سال‌ها سرمایه‌گذاری عظیمی برای نفوذ در دانشگاه انجام گرفت و چهره‌های فراوانی برای تغییر بنیان‌های فکری دانشجویان دست به کار شدند. هرچند این حرکات که در جهت مایوس کردن از انقلاب و قبله آمل نمودن غرب و به ویژه امریکا و همچنین زیرسؤال بردن ارزش‌های اسلام و مسئولان انقلاب و نظام انجام می‌گرفت به نتیجه دلخواه آنان نرسید ولی توانست چهره‌هایی ولو اندک را از گذشته خود پشیمان نماید و برای اولین بار در ایران و شاید جهان گروهی طرفدار امریکا در میان جنبش دانشجویی تعبیه نماید. چگونه چنین چیزی امکان‌پذیر است در حالی که در هیچ برهه‌ای، در هیچ کجای دنیا در درون دانشگاه اپوزیسیون امریکایی و طرفدار امریکا که به نفع امریکا شعار بدهد و هورا بکشد وجود نداشته است. یعنی کسی بیاید و به نفع امریکا صحبت کند و او را تشویق نمایند. این یکی از آفت‌های حرکت دانشجویی است که مجموعه قدرت طلب با مشاهده نسل جوان دانشجو در میدان تلاش نمایند تا خود را به حرکت دانشجویی نزدیک کرده و سخن خود را از گلوی دانشجو اعلام نمایند.

در اینجا دانشجویان باید خود مراقب باشند و با شناخت عناصر خودی از عناصر غیرخودی و

فرصت طلب فتنه را خاموش نمایند.

بیداری دانشجویان و توان تجزیه و تحلیل مسائل داخل و خارج دانشگاه و موقعیت کنونی جهان، زمینه‌ای فراهم می‌سازد که دانشجویان فارغ از تعلقات گروهی و مادی زیبایی حرکت انقلاب اسلامی در جهان معاصر را دریابند و همچون گوهری گرانبها از آن حراست نمایند و پیام انقلاب را به گوش جهانیان برسانند. بی‌شک هنر، رساترین و بلیغ‌ترین ابزار ابلاغ این پیام است.

اگرچه تمامی دانشجویان در درک انقلاب و چالش‌های آن وظیفه دارند و اگرچه تمامی آنان باید در تبلیغ این پیام همت نمایند، ولی دانشجویان هنر با توجه به مجهز شدن به ابزارهای هنری رسالتی والاتر در این زمینه به عهده دارند. چراکه پیام انقلاب و اصولاً هر دعوت و هر فرهنگی در صورتی ماندگار می‌شود و فرصت نفوذ و گسترش می‌یابد که در قالب هنر عرضه گردد.

باید انسان‌های نسل‌های بعد و مردم دنیا به درستی دریابند که در انقلاب ما چه گذشته است. این ملت چگونه با دست خالی و تمسک به حبل‌الهی و سلاح معنوی رژیم‌های جاافتاده و با سابقه و متکی بر ابرقدرتی قهار را سرنگون ساخته و چگونه از حیثیت، دین، انقلاب و سرزمین خود در مقابل یورش ناجوانمردانه‌ای که از سوی کلیه قدرت‌های جهان حمایت می‌شد دفاع نموده است و چگونه در مقابل امواج بی‌وقفه هجوم فکری به آرمان‌ها و ارزش‌ها استقامت نموده و راه صحیح را طی کرده است. بی‌شک تصویر هنری این رویداد، الگوی تمام عیار برای همه ملت‌ها خواهد بود.

## فصل اول - جنبش‌های دانشجویی در ایران

سابقه نهضت‌های دانشجویی را باید مقارن با تأسیس دانشگاه در ایران دانست. یعنی شاید از همان سال‌های ۱۳۱۴ به بعد که دانشگاه تهران مجدداً بازگشایی شد و کار خود را مستمر پی‌گرفت.

درباره ماهیت این حرکت‌ها باید گفت که این فعالیت‌ها در اصل ناشی از تشکیل نیروهای چپ علی‌الخصوص حزب توده بوده است.

به دنبال اقدامات حزب توده در دانشگاه ملیون هم فعالیت خود را آغاز نمودند و به این ترتیب دانشگاه وارد حوادث سیاسی روشن شد.

اما نمود این حرکت‌ها را می‌توان بعد از شهریور ۲۰ و ایجاد فضای به نسبت بازی که ناشی از جنگ دوم جهانی و اشغال کشور توسط متفقین و همچنین اخراج رضاخان و پایان دوره قدرت و سرکوب بود دانست. چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد در میان تمامی این جریان‌ها مارکسیست‌ها بیشترین نفوذ را روی جریانات روشنفکری داشتند جنبش دانشجویی در این سال‌ها از نظر تعداد، تعداد قابل توجهی را دربر نمی‌گرفت. به هر حال اولین حرکت جدی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مربوط به ۱۶ آذر ۱۳۳۳ بود که دانشجویان به واسطه دیدار نیکسون از کشور دست به گردهمایی زدند و به هر طریق سه دانشجو مورد هجوم نیروهای نظامی قرار گرفته و کشته شدند که از آن به بعد این روز به نام روز دانشجو نام‌گذاری شد.

از آن پس تا سال ۱۳۴۰ حرکت جدی در این زمینه وجود نداشت و در اردیبهشت این سال حضور دانشجویان در گردهمایی و میتینگی که در محل پارک لاله کنونی برگزار شد نقش چشمگیری داشتند. همچنین در بهمن همان سال در پی تظاهراتی کماندوهای حکومت سلطنتی به دانشگاه تهران حمله نمودند

و تعدادی را مجروح و عده‌ای از دانشجویان را نیز دستگیر کردند.

در بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ و در این محدوده حرکت‌های دانشجویی متأثر از نهضت امام خمینی می‌گردد و به هر حال دانشجویان با تشکیل گروه‌هایی از جمله در صحن مطهر حضرت معصومه در قم و همچنین با صدور اطلاعیه‌هایی در این نهضت مشارکت داشتند. پس از سال‌های ۱۳۴۲ و هم‌زمان با سال‌های سرکوب تحرکات جنبش‌های دانشجویی نیز کم‌رنگ می‌گردد و مجدداً از سال ۱۳۴۹ به بعد این حرکت‌ها، شروع به رشد و نمو می‌نماید.

که به عنوان نمونه می‌توان به تظاهراتی که در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۴۹ در مقابل درب جنوبی دانشگاه تهران و با حضور چند هزار دانشجوی این دانشگاه برگزار گردید اشاره نمود.

به هر حال این مبارزات به صورت موردی و گسسته ادامه یافت که در نهایت نقطه اوج آن را می‌توان مربوط به سال‌های مقارن پیروزی انقلاب اسلامی و شرکت در تظاهرات و اعتصابات بر علیه رژیم شاه دانست. مشخصه اصلی این دوره از حرکت‌های دانشجویی پیوند خوردن به مردم و شرکت در تظاهرات‌های مردمی بود. بسیاری از تحصن‌ها در دانشگاه اتفاق می‌افتاد. به عنوان نمونه می‌توان به تحصن اساتید دانشگاه در دانشگاه امیرکبیر و تحصن مسجد دانشگاه تهران با شرکت مرحوم آیت‌الله طالقانی اشاره نمود.

در این سال‌ها بود که جنبش دانشجویان احساس کرد که باید از مبارزه سیاسی به مبارزه عقیدتی و فکری رو آورد به هر حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانشگاه‌ها به کانون مسائل سیاسی تبدیل شدند. فضای بازی که در آخرین سال عمر رژیم گذشته و همچنین ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد گردید باعث گردید که نیروهای چپ که سال‌های متمادی در دانشگاه‌ها سکوت کرده بودند و تحرک جدی نداشتند دوباره فعالیت خویش را به صورت بسیار پررنگ شروع نمایند و متأسفانه در این دوره دانشگاه فقط به عنوان یک کانون سیاسی مطرح بود و تقریباً علم و علم‌آموزی می‌رفت که به فراموشی سپرده شود.

با اوج گرفتن بحران و جدی شدن مسئله در حدی که در پاره‌ای از دانشگاه‌ها «اتاق جنگ» ایجاد شد مسئله تعطیلی دانشگاه‌ها پیش آمد و به دنبال آن انقلاب فرهنگی و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام. اما در این میان دانشجویان مسلمان که در قالب انجمن‌های اسلامی دانشجویان بودند، منشأ خدمات زیادی بودند. از مبارزه فکری و بعضاً فیزیکی با نیروهای چپی و مارکسیستی در دانشگاه‌ها گرفته تا هم‌فکری و اقدام برای تسخیر لانه جاسوسی که به حق انقلاب دوم نام گرفت.

سپس در همین دوران تعطیلی جهادسازندگی توسط عده‌ای از این نیروهای متدین و مسلمان تشکیل گردید و سپس هم‌پای دیگر افسار ملت در جنگ تحمیلی شرکت نمودند.

با بازگشایی دانشگاه‌ها دوره جدیدی از عمر جنبش‌های دانشجویی رقم خورد.

در این دوره جنبش دانشجویی رو به افول نهاد و در دانشگاه‌ها فقط نیروهای مسلمان در قالب حمایت از جبهه و جنگ فعالیت می‌نمودند.

اما جو عمومی دانشگاه‌ها به جو علمی تبدیل شد و دانشجویان عمدتاً ترجیح دادند که سراغ درس و بحث و کار علمی بروند و نظم دانشگاه را پذیرفته و به تبع آن از کار سیاسی فاصله گرفتند. در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و هم‌زمان با مسئله سازندگی در اثر این که کادر وزارت خانه‌های مربوط تقریباً به کادر صرفاً علمی تبدیل شده بودند باز هم این افول پر رنگ‌تر گردید.

آخرین دوره‌ای که می‌توان از آن به عنوان یک تحرک جدی و شاید شروع دوره جدیدی از جنبش دانشجویی نام برد، از اواخر سال ۱۳۷۵ شروع می‌گردید و سپس از ۲ خرداد سال ۱۳۷۶ شکل جدی‌تری به خود گرفت. در این دوره تعدادی از دانشجویان به انتقاد از جو موجود پرداختند و به هر حال ضمن ابراز نارضایتی از وضع موجود خواستار تغییر اوضاع گردیدند. پس از ۲ خرداد و پیروزی جناب آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری تحرک بسیار جدی در فعالیت‌های سیاسی ایجاد گردید و به هر حال دانشجویان به ابراز نظر در مسائل مختلف مملکتی و حتی در سایه حمایت وزارت کشور و شخص وزیر کشور به تظاهرات و برپایی میتینگ دست زدند و کوتاه سخن این که دانشگاه‌ها مجدداً رنگ و بوی سیاسی پیدا نمود.

## فصل دوم - دانشگاه طراز انقلاب اسلامی

### ۱-۲- سعادت بشری

در آستانه قرن بیست و یکم به سر می‌بریم. کمتر از یک ماه دیگر قرن بیستم سپری می‌شود. قرن بیستم قرن تحول سریع بشریت در دنیاست. شاید تحولاتی که در این قرن اتفاق افتاده است. به تنهایی از تمام پیشرفت‌های بشر از ابتدای پیدایش تا کنون بیشتر بوده است. در این قرن انسان پارا از کره خاک فراتر نهاد و به کره ماه رفت و در همین روزهای اخیر ماهواره کاوشگر ساخته دست بشر بر سیاره مریخ فرود آمد و بحث از رفتن انسان به سطح مریخ در آینده نزدیک است. امکانات رفاهی فراوانی در اختیار جوامع قرار داد. حرکت صعودی دانش و آگاهی‌های عمومی با شتاب بیشتری ادامه می‌یابد. جهان در آستانه دوره‌نوینی از تمدن بشری که طلیعه آن با انفجار اطلاعات صورت یافته و شکل گرفته است، قرار دارد و قدرت حاکم بر جهان سعی دارد در آینده نه چندان دور، دنیا به دهکده جهانی معروف مک لوهان تبدیل نماید. اما آیا بشر به سعادت دست یافته است؟ آیا جوامع انسانی به سمت توسعه توأم با عدالت اجتماعی گام برداشته‌اند یا صرفاً مراحل وسیعی از مدرنیزاسیون را تجربه کرده‌اند.

در بیانیه اخیر اجلاس پایانی وزرای علوم کشورهای جهان، این نکته با ابراز نگرانی بیان شده است که تحولات اقتصادی، علمی و تکنولوژیک عصر حاضر توسعه همه جانبه و عدالت اجتماعی را به دنبال نداشته است. آری در پیشرفته‌ترین کشورهای اروپایی و امریکا و به اصطلاح جهان اولی‌ها نیز هنوز عدالت اجتماعی برقرار نشده است. تظاهرات اخیر و نارضایتی مردم امریکا در شهر سیاتل محل برگزاری اجلاس کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به خوبی نشان داد که مردم در غرب از اوضاع‌شان راضی نیستند و هنوز هم در نگرانی به سر می‌برند. این اعتراض‌ها به حدی جدی و گسترده بود که مسئولان گردهمایی تحت فشار افکار عمومی بعضی از مباحث را تا حدی تعدیل نمودند و در نهایت نیز تحت جو به وجود آمده به نتیجه مشخصی دست یافتند و اجلاس با شکست روبه‌رو شد و همه این وقایع حکایت از این واقعیت دارد که علم و تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی هرچند که می‌تواند یکی از ارکان اصلی توسعه و نوسازی جوامع باشد، اما به نظر می‌رسد که کافی نیست و به تنهایی نمی‌تواند جامعه‌ای خوشبخت و سعادت‌مند را بنا نماید. در کنار عامل عام، عامل مهم‌تری که سعادت انسان را به ارمغان می‌آورد ایمان و تهذیب است.

علم و آگاهی و ایمان به خدا و معنویات و تهذیبی که به دنبال آن ایجاد می‌شود کلید فلاح و رستگاری جوامع بشری است. در این میان وظیفه ما به عنوان دعوت‌کنندگان به سبیل نجات و رستگاری وظیفه

سنگینی است. علی‌الخصوص ارتباط با کشورهای اسلامی که کشور ما به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام وظیفه ویژه‌ای در ارتباط با تمامی مسلمانان خواهد داشت.

اگر انقلاب اسلامی ما داعیه نجات بشریت را به‌عنوان یکی از آرمان‌های خویش داشته و دارد باید در عمل نیز به این سمت و سو حرکت نماید.

در این میان نقش دانشگاه به‌عنوان دانشگاه طراز و همسنگ و هم‌شان انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای خواهد بود.

## ۲-۲- دانشگاه و نگاهی به آینده

چنانکه پیش‌تر ذکر شد اگر کلید رستگاری جوامع بشری را در روی آوردن به عمل و ایمان و تهذیب بدانیم، دانشگاه به‌عنوان مرکز علم و فن‌آوری می‌تواند نقش ویژه‌ای را در این میان ایفا نماید.

وظایف دانشگاه طراز انقلاب اسلامی را می‌توان در چند محور زیر خلاصه نمود:

۱- علم و نوآوری علمی: از اصلی‌ترین وظایف دانشگاه‌ها که شاید هدف نهایی از تأسیس آنها می‌باشد، علم و تعلیم و تعلم است. در این نوشته سعی نداریم که به پیشینه علمی کشور و آنچه بوده پردازیم. بلکه سعی بر این است که آنچه را که با توجه به وظایف فوق باید باشیم اهمیت دارد. دانشگاه انقلاب اسلامی و دانشجوی انقلاب اسلامی باید در صحنه علم، در زمره گروه‌هایی باشند که حرف اول را داشته باشند و بزنند. پژوهش، نوآوری، ابتکار و خلاقیت باید سرلوحه کار دانشگاه‌های ما قرار گیرد. هرچند که با داعیه فوق فاصله زیادی داشته و راه بسیار درازی را در پیش روی داریم، اما خوشبختانه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و علی‌الخصوص در دهه گذشته نهضت علمی آغاز گردیده است و حرکت ما به سوی به دست آوردن جایگاه تاریخی خود یعنی بسط و گسترش علم در سطح جهان آغاز شده است. توجه به پژوهش در کشور زیاده‌تر شده است و دانشجویان و دانشگاهیان به این مهم رسیده‌اند که برای این که بتوانیم به حیات علمی و تکنولوژیک و اقتصادی خود ادامه دهیم باید در این صحنه جدی باشیم و از بُعد ساخت و رهوار نبودن مرکب نهراسیم. زیرا به‌عنوان دانشجو و دانشگاهی ایرانی به سرمایه‌هایی متکی هستیم که دیگران کمتر از آن بهره می‌برند و آن اعتقاد و اتکال به خداوند، تهذیب و اخلاق و پشتوانه تاریخی ما در صحنه‌های علم و علم‌آموزی و بسط و گسترش تمدن در گذشته نه چندان دور می‌باشد.

۲- تهذیب و اخلاق: هر ایرانی به‌عنوان یک مسلمان باید در فرایند تهذیب اخلاق خود کوشا باشد. در این میان نقش دانشجویان و دانشگاهیان جدی‌تر و وظیفه آنان سنگین‌تر است. زیرا نه تنها باید در تهذیب خود بکوشند بلکه به‌عنوان افرادی که قرار است نقش اساسی در ساختن جامعه و فردای روشن برای کشورمان و بشریت داشته باشند، وظیفه سنگین‌تری در این زمینه برعهده دارند.

از امام امت (ره) بارها شنیده‌ایم که دانشگاه آرمانی انقلاب اسلامی را به‌عنوان کارخانه آدم‌سازی و انسان‌سازی تعبیر نموده‌اند و همچنین از ایشان فرا گرفته‌ایم که:

«اگر تهذیب نباشد، علم توحید نیز به درد نمی‌خورد»

و باز پیام‌های آسمانی ایشان در گوش جانمان این‌گونه طنین می‌اندازد که:

«خدا نکند تا خود را نساخته‌ایم، جامعه به ما روی آورد.»

و با این مضامین بسیار و بسیار در صحبت‌های ایشان و مقام معظم رهبری وجود دارد.

بحث دانشگاه اسلامی نیز که کراراً در بیانات مقام معظم رهبری به آن تذکر داده شده است شاید در همین راستا باشد.

از بیانات مقام معظم رهبری در این زمینه با مسئولان و دانشگاهیان می‌باشد که: «شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، انسان مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد مملکتتان را نجات می‌دهید».

به هر حال شمای کلی مسئله به قدر کافی روشن و واضح می‌باشد. خوشبختانه در سال‌های اخیر، علی‌رغم مسائل و صحبت‌ها و شعارها و صرف‌نظر از عده‌ای معدود فضای دانشگاه‌ها به صورت کلی به سمت تهذیب پیش می‌رود.

نگاهی به آمار اعتکاف در دانشگاه‌ها و معتکفین از دانشجویان که هر ساله با رشد همراه است نویدبخش دانشگاهی همراه با تهذیب و معنویت و هم طراز انقلاب اسلامی و اهداف عالی آن در آینده‌ای نه چندان دور می‌باشد. در ماه رجب سال جاری برای اعتکاف ۸۰۰ نفر از خواهران دانشجو در مسجد دانشگاه تهران برنامه‌ریزی شده بود که این ظرفیت در ۲ ساعت اولیه ثبت‌نام تکمیل شد و مراجعین بعدی برای اعتکاف با مشکل رو به رو بودند. این موضوع نویدبخش آینده‌ای روشن است. این نسل دانشجو با اعتکاف در ماه رجب و دعا و نیایش در ماه شعبان خویش را برای تهذیب و خودسازی در ماه رمضان آماده می‌سازد. آری این نسل است که پس از ساختن خویش به جامعه روی خواهد آورد و با تکیه بر دانش و تقوای خویش و با اتکال به خداوند جامعه‌ای نو و بالنده را خواهد ساخت.

### ۳- آگاهی و بینش سیاسی

از دیگر مشخصه‌های دانشگاه اسلامی هم طراز با انقلاب اسلامی و اهداف رفیع آن، آگاهی و بینش و شعور سیاسی و به دنبال آن تلاش سیاسی می‌باشد.

دانشگاهی و به خصوص دانشجو، باید آگاه باشد که پیرامون او، در جامعه او و در دنیای او چه می‌گذرد و به تمام وقایع حساس باشد.

مقام معظم رهبری در این زمینه چنین رهنمود می‌دهند که: «دانشجویان مثل دیگر قشرها بلکه از آنها گرم‌تر و جدی‌تر باید به مسائل سیاسی بیندیشند و در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند... ما به آن متخصص که مسائل سیاسی جامعه خودش را نمی‌داند چه قدر می‌توانیم دل ببندیم؟! اگر این دانشجو تحصیل علم بکند و متخصص هم بشود، احیاناً آدم خوبی هم باشد اما درک مسائل سیاسی جامعه را نکند، جهت‌گیری‌های جامعه را نفهمد، نیازهای جامعه را درک نکند، تلاشی را که برای انسان زنده و فعال در یک جامعه لازم است نداند، می‌دانید یک چنین انسانی چه اشتباهات بزرگی را ممکن است مرتکب شود؟ می‌دانید آن انسان عالم و متخصص که آگاه از مسائل جاری کشور خودش نباشد چگونه ممکن است به ابزاری در دست دشمن تبدیل بشود؟»

لذا، دانشجو باید سیاسی باشد به معنای تلاش مبتنی بر بینش و شعور سیاسی و حساسیت نسبت به مسائل جاری کشور دنیا.

به نظر می‌رسد، این فرایند سیاسی بودن و سیاسی شدن افت و خیزهایی را پس از انقلاب اسلامی طی نموده

است که در قسمت قبل به آن پرداخته شد. ذکر چند نکته در اینجا ضروری است:

۱- دانشجوی آرمان‌گرا، آزاداندیش و حقیقت‌جو است و می‌باید تلاش سیاسی خود را در راستای تحقق عدالت اجتماعی و آزادی مبدول نماید.

۲- فعالیت سیاسی دانشجویان و دانشگاهیان باید مبتنی بر شناخت، آگاهی و تحلیل صحیح وقایع باشد. علی‌رغم ظواهر قضایا و مسائل جاری متأسفانه خدمات سیاسی در دانشگاه عمدتاً در انحصار گروهی خاص است و در این میان برخی بدون داشتن تحلیل صحیح از اوضاع دست به حرکات سیاسی می‌زنند. یعنی اگر بخواهیم به دقت فضای سیاسی دانشگاه‌ها را از این بعد ترسیم نماییم، دانشگاه از یک اکثریت غیر فعال و در نهایت فقط حساس سیاسی و از چند اقلیت فعال تشکیل شده است. در بین اقلیت فعال هم قسمتی را نیروهای متعهد و انقلابی با تفکرات سیاسی مختلف که به هر حال معتقد به حکومت و نظام اسلامی هستند تشکیل می‌دهند. در حال حاضر عناصر لائیک نیز در حال ایجاد پایگاه در دانشگاه هستند. چنان که ذکر شد این اکثریت نگاه‌شان را به این اقلیت‌ها دوخته‌اند و متأسفانه بیشتر به ظواهر حرف‌ها توجه دارند تا محتوای آن.

به عبارت دیگر هنوز فضای مناسب تجزیه و تحلیل و درک هوشمندانه وقایع حاکم نشده است.<sup>۱</sup>

۳- نقش تشکل‌های دانشگاهی در این زمینه بسیار حساس و سنگین است. متأسفانه در سال‌های گذشته تشکل‌های دانشگاهی هیچ‌گاه حرکت متعادل و منطقی نداشته‌اند و گاهی دچار تفریط و گاهی دچار افراط بوده‌اند. به خصوص در زمان حال که بعضی تشکل‌های دانشگاهی و متأسفانه پاره‌ای اوقات اسلامی نقش اپوزیسیون طرفدار غرب و امریکا را ایفا می‌نمایند.

لازم است که مسئولین شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولین وزارتین آموزش عالی و بهداشت و درمان به نحوی فضا را برای فعالیت سالم تمامی گروه‌ها و تشکل‌های اسلامی در سطح دانشگاه فراهم نمایند که این مسئله از انحصار گروهی خاص خارج شود. تمامی کسانی که به هر حال سابقه‌ای در امور دانشگاهی دارند در حال حاضر اذعان می‌نمایند که تشکل‌های دانشگاهی از گروه‌های سیاسی بیرون جامعه خط می‌گیرند و این چیز خوبی نیست. دانشگاهی که باید مرکز تجزیه و تحلیل افکار و اندیشه‌سازی و تزریق فکر به جامعه باشد، بیاید و اندیشه‌های سیاسی خود را از گروه‌هایی که بعضاً هیچ‌گونه قرابتی به انقلاب اسلامی ندارند و به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری واقعاً غیر خودی هستند و در درون خانواده انقلاب جایی ندارند اخذ نماید و بلندگوی آنها گردد.

۴- علی‌رغم وضعیت موجود در جمع دانشگاه‌ها حرکات مثبتی که نشانگر رشد سیاسی است آغاز شده است و شمای کلی جریان خیر از آینده‌ای روشن در این عرصه دارد. دانشگاه‌های ما محل مناسب برای طرح افکار و ایده‌های همه گروه‌ها شده و به خوبی افراد و نظر‌ها و خط‌فکرها به دانشگاه راه پیدا نموده است. شما می‌بینید که مقامات و مسئولین و افراد سیاسی و مذهبی به راحتی می‌آیند و در دانشگاه‌ها صحبت‌شان را انجام می‌دهند. این می‌تواند زمینه‌ساز رشد سیاسی بیش از پیش دانشگاه باشد به شرط این‌که دانشجوی و دانشگاهی قدرت شناخت خودی و غیر خودی را داشته باشد. در این صورت، تضارب

۱. یکی از اساتید دانشگاه تعبیری در توصیف شرایط سیاسی فعلی دانشگاه‌ها دارد که در اینجا ذکر آن خالی از فایده نمی‌باشد:  
در هیچ زمانی در ۳۰ سال گذشته دانشگاه‌های ما به اندازه الان فاقد سواد سیاسی و دینی نبوده‌اند و در هیچ برهه‌ای به اندازه الان احساساتی نبوده‌اند. در هیچ برهه‌ای در هیچ کجای دنیا و به خصوص در کشور ما در درون دانشگاه اپوزیسیون امریکایی و طرفدار امریکا که به نفع امریکا شعار بدهد وجود نداشته است. یعنی کسی بیاید و به نفع امریکا صحبت کند و او را تشویق نماید.



آراء و طرح افکار زمینه‌ساز رشد فکری و بالندگی سیاسی دانشجویان خواهد شد.

۵- افول سیاسی دانشگاه‌ها در دهه گذشته دلایل مختلفی داشته است. بعضی از این دلایل عبارتند از:  
- در دهه گذشته انقلاب ارتباط فکری و عاطفی اش با دانشگاه و دانشجو دچار نوعی گسست و ضعف شده است.

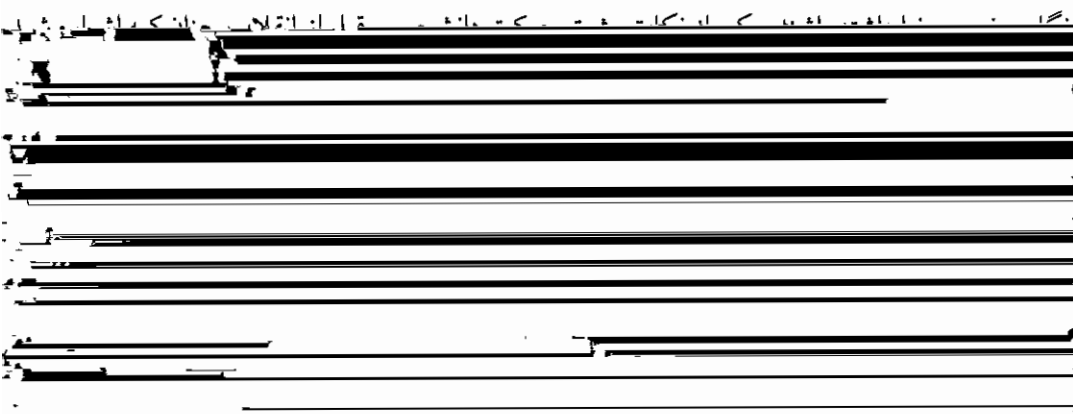
- در دهه گذشته هیچگاه مسئولین ما به دغدغه‌های فکری دانشگاه وقع لازم را ننهاده‌اند و به احساسات دانشجویان و مسائلی که برای آنها اهمیت دارد نظیر عدالت اجتماعی توجهی نشده است.

- ناطقه فرهنگی انقلاب در دهه گذشته تعطیل بوده است. تولید فکری و خلاقیت در این عرصه نداشته‌ایم. انقلاب دینی نمی‌تواند صامت باشد و به تعبیر یکی از اساتید دانشگاه چند میلیون انسان فرهنگی را نمی‌توان با پانتومیم هدایت کرد و توقع رأی از آنها داشت.

باید سعی کنیم مسائل فوق را به نحوی حل کنیم و گفتمان ما با دانشجو و دانشگاه زیاده‌تر شود. خوشبختانه مقام معظم رهبری در دو سه سال گذشته عنایت ویژه به دانشگاهیان سعی در حضور بسیار پررنگ صحبت با دانشجویان و شنیدن حرف‌های آنها و پاسخ به پرسش‌های آنها داشته‌اند که این گفتمان می‌تواند بسیار مؤثر باشد و سایر مسئولین نظام نیز باید به این امر مبادرت نمایند که باز جای خوشبختی دارد که این مسئله تا حدودی آغاز شده و مسیر طبیعی خویش را طی نماید.

#### ۴- نگاه به دنیا / یا نگاه فرامرزی

دانشجویان ما و حرکت دانشجویی ما باید ضمن درک انتظار مردم و جامعه از آنها و برآوردن این نیازها



ارتباط با دانشجویان فعال سایر کشورها بود. متأسفانه در دهه گذشته این روند متوقف شده و این ارتباط تضعیف شده است. جا دارد که حرکت دانشجویی ما، با آرمان‌های والای انقلاب اسلامی هم صدا شود و با تقویت ارتباطات برون‌مرزی خویش با دانشجویان سایر دانشگاه‌های دنیا چه در بُعد علمی و چه در بُعد سیاسی و فرهنگی به نقش و وظیفه خود در این زمینه عمل نماید. الان که به هر حال جامعه دانشگاهی ما در راستای رشد سیاسی قرار دارد و در مرکز توجه دانشگاه‌های سایر کشورها قرار گرفته است بهترین زمینه و فرصت برای این کار مهیا است که ارتباطات گذشته در اسرع وقت تجدید شود.